

دکتر عبدالنبی قیم، مورخ و پژوهشگر در گفت و گو با «دنیای اقتصاد»: شیخ خزعل حامی مشروطه خواهان بود

گفتگو: سید فرداد گوران



صاحب امتیاز: دنیای اقتصاد تابان

مدیر مسئول: علیرضا بختیاری

تلفن روزنامه: ۰۲۱-۴۲۷۱۰۵۰۴

سایر عناوین این صفحه [پربازدیدهای این شماره](#)

- [مورالس، عکاس زندگی اجتماعی و اقتصادی](#)
- [دو سیل ویرانگر](#)
- [تورستین ویلن، نظریه پرداز طبقه تن پرور](#)



دکتر عبدالنبی قیم (متولد ۱۳۳۵/ آبدان)، نویسنده، پژوهشگر، مترجم و فرهنگ نویس است. او دانش آموخته رشته اقتصاد از دانشگاه جندی شاپور و دکترای مدیریت بحران از دانشگاه اصفهان است.

از آثار برجسته او می توان به کتاب «پانصد سال تاریخ خوزستان» و «فراز و فرود شیخ خزعل» اشاره کرد. در گفت و گو با دکتر قیم به بررسی مناسبات قدرت و ساخت سیاسی، نقش شیخ خزعل در انقلاب مشروطه و تحلیل تاریخی شرایط آبدان به عنوان کانون مدرنیته در ایران پرداختیم. در این گفت و گو روشن می شود که مدرنیته امری برساخته جریان استعمار بوده که آن را باید در «شبه قدرت» به تعبیر میشل فوکو، پیگیری کرد.

● جناب قیم، تحلیل شما از دوره مشروطه، تجددخواهی در خوزستان و نقش مناسبات اقتصادی و کشف نفت در این فرآیند چیست؟

انقلاب مشروطه و روح مشروطه خواهی در خوزستان و به ویژه در منطقه تحت حاکمیت شیخ خزعل مطرح نبوده و اگر بگوییم مردم این منطقه هیچ گونه شناختی از مشروطه نداشته اند، سخن گزافی نگفته ایم. با وجود این شیخ خزعل تحولات و حوادث مشروطه را با دقت دنبال می کرد و مسیر امور و جریان آن را تحت نظر داشت. او که درس سیاست را در محضر پدرش حاج جابرخان آموخته بود، به خوبی می دانست که همواره موضعی را اتخاذ کند که منافعی را تضمین کند، بر همین اساس شیخ در کوران انقلاب مشروطه به رغم پیام ها و نامه های مظفردالدین شاه مبنی بر



حمایت از او و ضدیت با مشروطه خواهان، هیچ گاه از مظفرالدین شاه حمایت و جانبداری نکرد و حتی پس از وفات مظفرالدین شاه و روی کار آمدن محمدعلی شاه نیز با وجود پیام های او به شیخ مبنی بر حمایت از او، باز هم شیخ خزعل از محمدعلی شاه حمایت نکرد.

علاوه بر این هنگامی که بختیاری ها در ژوئن ۱۹۰۹ میلادی درصدد برآمدند تا برای کمک و یاری به مشروطه خواهان، به سمت تهران حرکت کنند، از شیخ خزعل طلب یاری کردند و از آنجاکه انجام این مهم بدون پشتوانه مالی ممکن نبود. از این رو از شیخ خزعل درخواست استقراض کردند و شیخ پنج هزار لیره عثمانی به آنها داد.

شیخ خزعل در تلگرافی به تاریخ ۲۸ صفر ۱۳۲۷ (۱۹۰۹ میلادی) به همراه حاج سیف الدوله و سردار اسعد خطاب به محمدعلی شاه از او خواست تا از راه تفضل و رعیت پروری عنایت به افتتاح پارلمان کند، چند ماه بعد طی تلگرافی دیگر به نجف قلی خان صمصام السلطنه برادر سردار اسعد بختیاری حمایت خود از مشروطه خواهان اعلام کرد، باید توجه داشت که انگلیسی ها مخالف انقلاب مشروطه بودند؛ اما شیخ خزعل، موضع مستقل خود را اتخاذ کرد و بالاخره کاری کرد که سرانجام انگلیس تصمیم گرفت از موضع او حمایت کند.

اما درخصوص بخش دوم سوال شما درباره تجددخواهی باید گفت در زمان شیخ خزعل، هیچ گونه اثر و نشانی از تجددخواهی نبود. این امر نه تنها در خوزستان بلکه در کل منطقه خاورمیانه و از جمله در ایران دوره قاجار مطرح نبوده است و تجددخواهی حتی بعد از اکتشاف نفت و به ثمر رسیدن تلاش ها برای دستیابی به نفت در سال ۱۹۰۸ (۱۲۸۷ش) نیز وجود نداشت و حرکت به سوی تجدد پس از احداث پالایشگاه آبادان در شهرهای آبادان و تا حدودی در مسجد سلیمان آغاز شد.

● **در پی اکتشاف نفت، روابط و مبادلات جدید اقتصادی شکل می گیرد و چهره شهرها نیز تغییر می کند. همچنین برای نخستین بار در ایران شهرک ها و سکونتگاه های کارگران دست اندرکار حفاری و استخراج نفت به وجود می آید. برخی مورخان و تحلیلگران بر این باور هستند که شرکت نفت ایران و انگلیس در عین مدرن سازی فضای شهری و تحول ساختار اجتماعی، تنها به منافع خود را دنبال کرده و استعمار جای عمران را گرفته است. تحلیل شما چیست؟**

همان طور که پیش از این گفته شد، پس از اکتشاف نفت و به ویژه پس از احداث پالایشگاه آبادان، تجدد و مدرنیته تدریجاً در شهر آبادان شکل گرفت. تا پیش از سال های ۱۹۰۹ میلادی، آبادان شهر چندان مطرحی نبوده است؛ با وجود قدمت تاریخی این شهر که به پیش از اسلام بازمی گردد و نام آن در شعر شاعران پارسی گوی چون ناصر خسرو، منوچهری دامغانی و سعدی تحت عنوان «عبادان» آمده و ناصر خسرو در سفر دور و دراز خویش در راه بازگشت به این شهر وارد شده و از آن نام برده و بعدها هم ابن بطوطه جهانگرد نام آور در قرن هشتم به این شهر وارد شده و در سفرنامه خود از آن یاد کرده و آورده است که ماهی که در عبادان خورده در هیچ جای دنیا نخورده است. در ادبیات عرب و حتی در ادبیات فارسی، عبادان را به عنوان مکانی که بعد از آن شهری نیست یاد کرده اند، با وجود این احداث پالایشگاه سبب شد تا چهره این شهر به طور کلی دگرگون شود و نه تنها به عنوان مدرن ترین شهر ایران باشد، بلکه به عنوان یکی از مهم ترین شهرهای خاورمیانه به حساب آید و اگر منوچهری دامغانی در قرن پنجم در یک بیت نامی از عبادان آورده بود، در قرن بیستم و در نتیجه مبارزات کارگری در آبادان، «توفیق زیاده» شاعر معروف فلسطینی قصیده ای با نام عبادان می سراید و آن را به مردم آبادان و کارگران آن هدیه می کند. قدر مسلم اینکه انگلیسی ها به دنبال منافع خود بوده اند و اولویت اول آنها همین عامل بوده است؛ اما شاید از این نکته غافل بوده اند که آنها برای تامین منافع خود سلسله اقداماتی را در این شهر و تا حدودی در شهر مسجد سلیمان انجام دادند که امروز بعد از گذشت یک قرن اثرات آن را می توان به عینه مشاهده کرد.

احداث پالایشگاه در آبادان سبب شد تا ساختار اقتصادی شهر و حتی منطقه دگرگون شود؛ افرادی که تا پیش از این مشغول کشاورزی بودند و این گونه روزگار می گذراندند، وارد عرصه ساخت پالایشگاه و خطوط لوله انتقال نفت از میدان نفتون مسجد سلیمان تا بندر آبادان شدند، پس از پایان عملیات ساخت پالایشگاه و آغاز بهره برداری از آن، همان کارگران یا کارگران دیگر به عنوان کارگران پالایشگاه مشغول به کار شدند.

علاوه بر این افرادی که سواد داشتند در سمت های کارمندی به کار گرفته شدند؛ هرچند در آن مرحله پست های کلیدی و سمت های بالا در اختیار انگلیسی ها بود و به هر حال طبقه کارگر صنعتی در آبادان شکل گرفت. این طبقه کارگر نقش مهمی در مبارزات مردم ایران در جریان ملی شدن صنعت نفت در زمان دکتر مصدق ایفا کرد.

همین ها در انقلاب ۵۷ نقش بسیار مهمی در رهبری اعتصابات کارگری داشتند و حتی اگر با بدبینی به انگلیسی بنگریم و آنها را استعمار پیر بنامیم، بدون شک احداث پالایشگاه آبادان اقدامی در جهت تغییر مناسبات اقتصادی، تغییر ساختار شهر آبادان و همچنین گشودن دروازه های مدرنیته و تجدد به این شهر به حساب می آید.

شرکت نفت ایران و انگلیس برای رفاه حال نیروی انسانی اعم از کارمند و کارگر مبادرت به ساخت خانه های مسکونی کرد. این خانه ها بر خلاف شهرک سازی های جدید که خارج از محدوده شهر بنا می شدند، در محدوده شهر احداث شدند و پس از گذشت یکی دو دهه جزئی از شهر شدند.





خانه هایی برای کارگران و خانه هایی برای کارمندان با امکانات کامل از قبیل آب تصفیه، شبکه برق، فضای سبز مورد نیاز برای هر واحد مسکونی اعم از کارگری و کارمندی. خیابان هایی که این خانه ها در آن احداث شده بودند بر اساس آخرین و جدیدترین مدل های شهرسازی در اروپا بود.

مراکز آموزشی از قبیل دبستان و دبیرستان احداث شدند و برای تامین کادر فنی آموزش دیده و ماهر، هنرستان فنی یا تکنیکال تاسیس شد. برای مدارج بالاتر و تربیت مهندسان، دانشکده ای به نام دانشکده نفت راه اندازی شد تا نیازهای آموزشی را برطرف و نیروی انسانی مورد نیاز برای اداره امور متعلق به نفت را تربیت کند و مراکز ورزشی از قبیل استادیوم ورزشی فوتبال، سالن های ورزشی، استخر، زمین گلف، زمین تنیس، باشگاه قایقرانی احداث شد و باشگاه های مختلف ساخته شد.

برخی از این باشگاه ها برای کارمندان و برخی برای کارگران بودند و در این باشگاه ها سالن اجتماعات برای جشن، برنامه های موسیقی، سینما، غذا، استخر، زمین بازی و کلیه لوازم تفریحی وجود داشت و علاوه بر اینها هر باشگاهی، کتابخانه ای نیز داشت. یک ایستگاه رادیویی تاسیس شد که بعد از ملی شدن نفت، رادیو نفت ملی نامیده شد و برای سهولت نقل و انتقال به اروپا و به تهران و سایر نقاط جهان، فرودگاه آبادان راه اندازی شد که تقریباً همه خطوط هوایی بین المللی در آن دفتر داشتند و از همان ابتدا فرودگاه آبادان یک فرودگاه بین المللی بود. در حالی که بسیاری از شهرهای بزرگ خودرو به چشم خود ندیده بودند، در آبادان خودروهای مختلف جولان می دادند و همچنین خط آهن درون شهری برای جابه جایی کالا و مواد در سطح شهر و در مناطق شرکتی احداث کردند.

● خاندان خزعل در آن دوره چه نقشی در فروش و معامله نفت داشته اند، روابط انگلیسی ها با این خاندان و به طور مشخص شیخ خزعل چگونه بوده و چرا سرانجام دست از حمایت از او برداشتند؟

تا آنجا که اسناد و مدارک نشان می دهد شیخ خزعل هیچ گونه نقشی در فروش و معامله نفت نداشت و این امر طبیعی می نمود؛ چون میادین نفتی در قلمرو تحت حاکمیت شیخ نبوده اند و نفت از میدان نفتون مسجد سلیمان با خطوط لوله به آبادان منتقل می شد، بخشی از آن در پالایشگاه تصفیه می شد و بخش دیگر آن به صورت نفت خام صادر می شد و انگلیسی ها برای احداث پالایشگاه آبادان با شیخ خزعل وارد مذاکره شدند تا زمینی را به این منظور از او اجاره کنند؛ مذاکرات سندیکای امتیازات (شرکت مشترک ویلیام فاکس دارسی با شرکت نفت برمه) چند ماه به درازا کشید و در نهایت با وساطت سرگرد کاکس، نماینده مقیم انگلیس در بوشهر و سر آرنولد ویلسون و با رهنمودهای وزارت امور خارجه انگلیس و با هدف اقناع شیخ به پایان رسید؛ نتیجه این مذاکرات، پیروزی و موفقیتی برای شیخ خزعل بود. این توافق علاوه بر جنبه های اقتصادی از نظر سیاسی نیز حائز اهمیت بود و از این نظر برای شیخ نیز یک دستاورد محسوب می شد.

● همزمان با کشف نفت، برخی مستشرقان به کشف تاریخ نیز در خوزستان علاقه مند می شوند. در واقع به دنبال گزارش ژاک دو مورگان از شوش و چغازنبیل و احتمال وجود نفت در آن نواحی است که هویت مندی تاریخی این منطقه مورد توجه مهندسان انگلیسی قرار می گیرد. جالب اینجاست که چغازنبیل را شخصی به نام براون که کارشناس شرکت نفت ایران و انگلیس است، کشف می کند که بعدها توسط رومن گیرشمن حفاری و ثبت می شود. فهم این مناسبات و دلالت های تاریخی-اقتصادی آن به فهم وقایع اجتماعی و سیاسی دوران معاصر کمک می کند. در این زمینه چه نظری دارید؟

پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه، سیاست انگلیس درخصوص ایران از بنیان تغییر کرد تا پیش از این تاریخ، انگلیسی ها به هیچ وجه در اندیشه حکومت مرکزی قوی نبودند؛ به همین دلیل آنها از حکومت های مناطق مختلف که به صورت نیمه مستقل بودند و ارتباط ضعیفی با تهران داشتند، حمایت می کردند. با سران این قدرت ها مستقیماً وارد مذاکره می شدند و حتی با آنها عهد و پیمان منعقد می کردند. انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ ترس و وحشت بیش از حدی در دل انگلیسی ها ایجاد کرد.

انگلیسی ها همیشه این سخن پتر کبیر را که گفته بود باید روس ها به آب های گرم دسترسی پیدا کنند مدنظر داشتند و بیم آن را داشتند که کمونیست های روس که از جنوب با ایران هم مرز بودند، به سوی ایران حرکت کنند یا افکار خود را در ایران منتشر کنند و روس ها به آب های گرم برسند.

برای انگلیسی ها در آن دوره، حفظ هندوستان به عنوان گنج پایان ناپذیر، اهمیتی فوق العاده داشت، آنها می ترسیدند که با رسیدن روس ها به آب های گرم، هندوستان در چنگ دشمن دیرینه شان باشد و آن را از دست بدهند.

آنچه هول و ولع انگلیسی ها را دوچندان کرده بود، این بود که رهبران انقلاب روسیه، ایدئولوژی و انقلاب خود را جهانی می دانستند و معتقد بودند که به تدریج کل جهان، همانند آنها می شود و انقلاب روسیه باید به یاری زحمتکشان و کارگران بشتابد و آنها را از چنگال بورژوازی و فئودالیسم رهایی بخشد.

انتشار افکار اشتراکی در مناطق شمالی ایران که از قفقاز به این نواحی رخنه کرده بود و پیدایش جنبش هایی مثل جنبش جنگل یا جنبش حیدر عمواغلی و جنبش محمد خیابانی، بیم و هراس انگلیسی ها را بیش از پیش کرد؛ به همین دلیل انگلیسی ها در اندیشه ایجاد حکومت مرکزی قوی و مقتدر برآمدند تا به مثابه سدی قوی، دیوار حائل باشد تا از نفوذ روسیه و کمونیسم جلوگیری کند و مانع رسیدن روس ها به آب های گرم شود.



انجام چنین کاری نیز فقط با یک دیکتاتوری نظامی میسر می شد و از این رو اردشیر جی ریپورتر از پاریسبان هند که جاسوس ارشد انگلیسی ها بود ماموریت یافت تا چنین کسی را شناسایی و به مقامات انگلیسی معرفی کند. او نیز در میان افراد بریگاد قزاق دنبال کسی بود که اهداف بریتانیا را به نحو احسن اجرا کند.

اردشیر جی ریپورتر، رضای میرپنج را برای این کار انتخاب کرد و او را به آبرون ساید معرفی کرد. بعد دستگاه عریض و طویل انگلیس، تمام قد پشت سر رضاخان ایستاد و با تمام توان او را در سرکوب رقبا و مخالفان یاری کرد. یکی از این افراد و اتفاقا قوی ترین آنها شیخ خزعل بود. به همین دلیل از زمان کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ (فوریه ۱۹۲۱) تا زمان اسارت شیخ خزعل و انتقال او به تهران در تاریخ ۱۹ آوریل ۱۹۲۵ بیش از چهار سال طول کشید.



تمامی خدمات پایگاه magiran.com، حسب مورد دارای مجوزهای لازم از مراجع مربوطه می باشند و فعالیت های این سایت تابع قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران است

 ©2000-2022 magiran.com All Rights Reserved.

همه حقوق مادی و معنوی متعلق به «بانک اطلاعات نشریات کشور» است.

اطلاعات مندرج در این پایگاه فقط جهت مطالعه کاربران با رعایت شرایط اعلام شده است. نسخه برداری و باز نشر

اطلاعات به هر روش، در هر نوع رسانه و با هر هدفی ممنوع و پیگرد قانونی دارد.

